یادداشت

رسانه‌های داخلی و بی‌اعتمادی مردمی

اسماعیل قدیمی
استاد دانشگاه و کارشناس رسانه

علت اینکه مردم از پیام‌رسان‌های داخلی استقبال نمی‌کنند، به دلیل همان سیاست‌هایی است که بر نظام اطلاع‌رسانی کشور حاکم است. جهان‌بینی ما نسبت به این قضایا، سیاست‌های ما، مبانی فکری ما یا تلقی از پیام‌رسان داخلی سلبی است. آزادی‌هایی که برای این فضا قائل نیستیم، دفاع از حقوق مردم و بستری که مردم در آن احساس امنیت کرده و اطلاعات خود را رد و بدل کنند، ایجاد مشکل کرده است. موضوع پیام‌رسان‌های داخلی از یک جهت جنبه فناوری دارد که این پیام‌رسان‌ها تا چه حد قابلیت دارند و چقدر رفع کننده نیاز مردم هستند. از سوی دیگر ذهنیتی که پیرامون رفتار حاکمیت با مردم، روزنامه‌نگاران، مسائل حقوقی ما، مسائل قانونی ما و تاریخ ما وجود دارد نیز موثر خواهد بود. این موضوع که فیلتر تلگرام باعث کاهش اقبال به پیام‌رسان‌های داخلی شد نیز فرضیه مطرح است. مردم از نگاه سلبی می‌گویند ما رسانه‌ای را می‌بینیم که آن را فیلتر می‌کند، چرا به طرف آن نرویم؟ نگاه ما به وسایل ارتباط جمعی، اطلاعاتی و آگاهی بخشی نگاهی سیستمی و کهنه است. همه این عوامل با عوامل بسیار دیگری دست به دست هم می‌دهند که ما از پیام‌رسان‌های داخلی استقبال نکرده و به سراغ پیام‌رسان‌هایی برویم که سرورهای آن از بیرون هدایت می‌شود. در آن صورت می‌دانیم اطلاعاتی که رد و بدل می‌کنیم یا مسائلی که دنبال می‌کنیم، مورد تعقیب قرار نمی‌گیرد. بسیاری از اوقات مردم می‌بینند که حاکمیت با وبلاگ‌نویسان چه می‌کند. این مسائل بر روند کشور تاثیر می‌گذارد. بنابراین جنبه‌های حقوقی، اجتماعی و آزادی‌های بنیادی در استقبال مردم از پیام‌رسان‌های داخلی مهم است. استقبال مردم از رسانه‌های اجتماعی و غیرمتمرکز که کاربر در آن نقش دارد، در همه دنیا مورد استقبال قرار گرفته است. هیچ کشوری، مردمی و گروهی در دنیا از رسانه‌های مرکزی حمایت نمی‌کند، زیرا تاریخ بشر نشان داده است که رسانه‌های مرکزی معمولا، موضوعات و مقوله‌هایی را مطرح می‌کنند که به منافع سیستم باز می‌گردد. همه سیستم‌ها می‌خواهند خود را حفظ کنند. یکی عاقلانه عمل می‌کند و مردم را با سیاست‌ها و روش‌های خود هماهنگ می‌کند و کار را با مردم پیش می‌برد و یکی متاسفانه در مقابل مردم قرار می‌گیرد و در نتیجه مردم با آن مقابله می‌کنند. در نتیجه باید اینطور نتیجه گرفت که فیلتر شدن یک رسانه به خودی خود آن رسانه را برای مردم جذاب می‌کند. علت این است که مردم دو مشکل با وسایل ارتباط جمعی داخلی ما دارند، اول اینکه اعتماد وجود ندارد، دوم اینکه احساس مشارکت نمی‌کنند. مردم احساس نمی‌کنند، نیازمند موضوعی هستند که اکنون از رسانه ملی پخش می‌شود. رادیو تلویزیون یا مطبوعات ما بر موضوعات، مطالب و اخباری تاکید می‌کنند که واقعا دغدغه مردم نیست. باید دید آیا سیاست‌های حاکم بر کشور از دغدغه‌ها، نیازها، خواسته‌ها، ذائقه‌ها و تقاضاهای مردم تشکیل می‌شود یا خیر؟ یک سیستم می‌آید، برای خود برنامه‌ریزی می‌کند و انتظار دارد مردم به دنبال آن بروند. در دنیایی که در واقع با اشباع و تنوع رسانه مواجه هستیم، با اینترنت جهانی رو به رو هستیم، با ماهواره‌ها و رسانه‌های آزاد روبه‌رو هستیم و مردم فرصت دارند، اطلاعات خود را از منابع مختلفی دریافت کنند، این مردم در این زمانه از رسانه‌های متمرکز استقبال نمی‌کنند. رسانه‌های داخلی گرفتاری ضعف فناوری و بی‌اعتمادی مردم را دارند.

دریچه

کارشناس مسائل خاورمیانه:

نقش بن سلمان در حاکمیت عربستان به پایان رسید

کارشناس مسائل خاورمیانه درباره اتفاقاتی که در دریای عمان افتاد، اظهار کرد: اتفاقی که در دریای عمان رخ داد نتیجه ناامنی و لشکرکشی آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه است. این اتفاق نشان می‌دهد حضور نامشروع ناوگان دریایی رژیم صهیونیستی در دریای عمان و احتمالا خلیج فارس حساسیت‌های زیادی برای منطقه ایجاد می‌کند و موجب بروز شکاف میان کشورهای منطقه خواهد شد لذا ممکن است عوامل خارجی در آن نقش داشته باشند. حسن هانی‌زاده افزود: جمهوری اسلامی هیچگاه پنهان کاری و قصد ناامن کردن آبراه‌های منطقه را ندارد بنابراین این اتفاق یک هشدار جدی برای رژیم صهیونیستی است که حضور نیروی دریایی این رژیم در منطقه به تشدید ناامنی‌ها کمک خواهد کرد و این یک پیام بسیار آشکاری، برای رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان این رژیم است که قصد دارند، پای این رژیم را به آبراه‌های منطقه باز کنند. به نظر می‌رسد که اسرائیل باید یک درس جدی از این اتفاق‌ها بگیرد و از منطقه خارج شود. هانی زاده در خصوص سیاست جو بایدن در خصوص منطقه و حمله به سوریه نیز خاطرنشان کرد: تیم جو بایدن ثابت کرد که همان سیاست‌هایی را که رئیس جمهور سابق آمریکا یعنی دونالد ترامپ دنبال می‌کرد این تیم هم دنبال می‌کند با اختلافاتی در تاکتیک و عملکرد. از آنجایی که جو بایدن رئیس جمهور آمریکا در سال ۲۰۰۵ زمانی که رئیس کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا بود، طرح تجزیه عراق را به بخش شیعه نشین، سنی نشین و کردنشین به جورج بوش، رئیس جمهور وقت آمریکا، در سال ۲۰۰۵ ارائه داد اما عملیاتی نشد اکنون او درصدد عملی کردن این طرح است و با بمباران منطقه البوکمال و حمله هوایی به نیروهای محور مقاومت، مقدمه‌ای برای ناامن کردن و تجزیه عراق ایجاد کرد. این کارشناس مسائل خاورمیانه در خصوص اقدام جو بایدن در خصوص انتشار گزارش قتل خاشقچی نیز تصریح کرد: نقش بن سلمان در حاکمیت عربستان به پایان رسیده زیرا بن سلمان در طول سال‌های اخیر نقش تخریبی در منطقه داشته است. محمد بن سلمان به شدت در گذشته با دونالد ترامپ رابطه تنگاتنگی داشت باج ۵۰۰ میلیارد دلاری بن سلمان به دونالد ترامپ، جنگ یمن و همچنین قتل جمال خاشقچی روزنامه نگار برجسته سعودی اینها در مدار توجه تیم جو بایدن قرار دارد. بنابراین جو بایدن از انتشار این گزارش و فشار به محمد بن سلمان قصد دارد ولیعهد عربستان را از قدرت برکنار و به جای او «محمد بن نایف» ولیعهد سابق را به جای او که اکنون در حصر خانگی است ولیعهد کند لذا تاریخ مصرف محمد بن سلمان برای آمریکا به پایان رسیده است.

مهدی مطهرنیا در گفت و گو با «آرمان ملی»:

آمریکا فشار متوازن به عربستان و ایران وارد می‌کند

- آمریکا به سمت و سوی یا جنگ یا مذاکره حرکت می‌کند
- احیای برجام حفظ سازوکار ۱+۵ برای مدیریت آینده جهان است
- اروپا بیش از آمریکا از قدرت ایران احساس خطر می‌کند

آرمان ملی- حمید شجاعی: پیش از برگزاری انتخابات آمریکا جو بایدن کاندیدای ریاست جمهوری بارها در کمپین‌های مختلف انتخاباتی خود از بازگشت به برجام و لغو تحریم‌های ایران در صورت پیروزی خبر داده بود و شاید همین امر هم باعث شد که بسیاری از کشورهای حامی برجام از جمله طرف‌های متعهد منتظر پیروزی بایدن بودند. اما گذشت زمان نشان داد که پیروزی بایدن نیز نتوانست تضمینی برای بازگشت آمریکا به برجام و به تبع آن لغو تحریم‌های ایران باشد. چنانکه چندی پیش سخنگوی کاخ سفید رسما اعلام کرد که آمریکا قصد برداشتن تحریم‌های ایران را ندارد. این در حالی است که طرح اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها که از سوی مجلس تصویب شده به طرف‌های متعهد فرصت داده که اگر ظرف مدت مقرر تعهدات خود را انجام ندهند ایران ابتدا اجرای پروتکل الحاقی را متوقف خواهد کرد که چند روز پیش این اتفاق افتاد و در صورت ادامه این روند از پروتکل الحاقی و برجام به طور کامل خارج خواهد شد. این امر باعث شده که اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها به تکاپو بیفتند. اما آنچه مسلم است تا زمانی که نوعی فهم مشترک میان کشورهای عضو برجام از این توافقنامه وجود نداشته باشد نمی‌توان به مخرج مشترکی رسید. قطعا سایر طرف‌های برجام راهی جز لغو تحریم‌های ایران و بازگشت به تعهدات خود نخواهند داشت. برای بررسی شرایط فعلی برجام، رویکرد آمریکا و اروپا به این توافقنامه و آینده برجام «آرمان ملی» با مهدی مطهرنیا آینده پژوه سیاسی و اجتماعی و تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت و گو پرداخته است که می‌خوانید.

بیش از یک ماه از روی کار آمدن جو بایدن و دموکرات‌ها در راس هیات حاکمه آمریکا می‌گذرد اما برخلاف وعده‌های داده شده در کمپین‌های انتخاباتی بایدن هنوز نه به برجام بازگشته و نه تحریم‌های ایران را لغو کرده است؛ این تفاوت رویکرد در قبال ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بایدن سخن از بازگشت به برجام را در کمپین انتخاباتی خود مطرح؛ ولی در کنار آن به نکات چندی اشاره کرد. گزاره‌ای که بایدن به کار برده بود آن بود که آمریکا به برجام باز می‌گردد، اما برجام از منظر تعریف آمریکایی‌ها بازگشت به سنت به جا مانده و میراث دولت اوباما است که شخص رئیس جمهور کنونی آمریکا در مقام معاون رئیس جمهور در آن زمان آن را دنبال می‌کرد. فلذا بازگشت به برجام به معنای رفع تحریم‌های ایران از طرف آمریکا به عنوان میراث بایدنی تلقی نمی‌شد و تیم او بازگشت به برجام را بازگشت به مدل تک چندقطبی و حضور آمریکا در نظام بین‌الملل بعد از جهت‌گیری‌های یک جانبه، هژمونیک و رئالیسم تهاجمی ترامپ تلقی می‌شد. او اکنون نیز از منظر خود به برجام بازگشته است، چراکه بایدن احیای تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران موسوم به مکانیسم ماشه را پس گرفته است، محدودیت رفت و آمد دیپلمات‌های ایران را کاهش داده و از طرف دیگر به پذیرش دعوت کشورهای عضو ۱+۴ برای شرکت مجدد در این گروه جواب مثبت داده است. لذا او نه برجام که ۱+۵ را در قالب برجام به عنوان میراث اوبامایی حفظ می‌کند و می‌خواهد سناریوی بایسته نظم نوین جهانی متکی بر دنیای تک چندقطبی آمریکایی را ارجحیت بخشد و رجحان آن موجب می‌شود که آمریکایی‌ها بتوانند دو سوی اقیانوس را به یکدیگر همگراتر و زمینه‌های اصطکاک دو قدرت دیگر در ۱+۵ یعنی پکن و مسکو را نیز علیه تهران تجدید نماید، چرا که با بازگشت آمریکا به نظام بین‌الملل و پذیرش تعهدات و ابرقدرتی‌اش در مکتب تفسیری امنیت؛ زمینه‌های همگرایی دو سوی اقیانوس اطلس را با ایالات متحده فراهم می‌کند و به این ترتیب این همگرایی بیشتر میان اروپا و آمریکا می‌توان نفوذ آمریکا در نظام بین‌الملل را بار دیگر از این جهت در چارچوب پذیرش موجه‌تر آمریکا نسبت به زمان ترامپ فراهم سازد. ولی در عین حال میراث باقی مانده‌ای از ترامپ وجود دارد که برای آمریکا در منطقه خاورمیانه و به تبع آن در نظام بین‌الملل کارآمد است، چراکه توانست همگرایی منطقه‌ای علیه ایران را در قالب صلح ابراهیمی یا معامله بزرگ قرن ایجاد کند، غشای امنیتی رژیم صهیونیستی را بالاتر ببرد و بدین ترتیب اسرائیل را در یک موقعیت تهاجمی با همکاری کشورهای عربی نسبت به ایران قرار دهد.

رویکرد آمریکای بایدن در قبال خاورمیانه و ایجاد نوعی توازن در آن چگونه خواهد بود؟

این رویکرد برای آمریکای بایدنی وجود دارد که او پالس‌های مجتمع شده بر محور اسرائیل را از کنترل آمریکا خارج کند. لذا بر اساس رئالیسم تدافعی اکنون تلاش دارد که میان نیروهای موجود در منطقه نیز نوعی تعادل ایجاد کند. از یک طرف تلاش دارد ایران را محدود و کنترل کند و حمله آمریکا به مواضع ایران در سوریه به عنوان اولین تلاش آشکار نظامی آمریکا در زمان بایدن خود یک نشانگان قوی و به تبع حمله او که می‌گوید مراقب باشید ادامه حرکت ترامپی در ارتباط با تهران است. ولی در عین حال او برای اینکه با تضعیف کامل ایران توازن ضعف در منطقه از بین نرود فشارهای خود بر عربستان را نیز افزایش داده، حوثی‌ها را از لیست تروریسم خارج کرده و گزارش ترور خاشقچی توسط دستور مستقیم بن سلمان را از وضعیت محرمانه خارج و منتشر ساخته است که بدین ترتیب احتمال خودسری عربستان یا حتی تل‌آویو علیه تهران بدون هماهنگی با آمریکا را کاهش دهد. همان گونه که قبلا گفته‌ام سیاست خارجی دولت بایدن سنتزی از اوباما و ترامپ است و تلاش دارد از میراث هر دو به نفع منافع آمریکا استفاده کند. او با این برخورد زمینه‌های القای اقناعی افکار عمومی را فراهم می‌کند، چراکه پرونده حقوق بشر ایران در دوران بایدن فربه‌تر خواهد شد و در کنار پرونده‌های مربوط به هسته‌ای، مسائل منطقه و حقوق بشر را به نمایش در خواهد آمد، چراکه با زیر پرسش بردن خاشقچی و متحد نزدیک خود در منطقه بالتبع برخورد با تهران نیز در مساله حقوق بشر توجیه پذیرتر تلقی خواهد شد. از این جهت باید بگویم که این منطق تا حدود زیادی معرف چنین بافت موقعیتی است. در کنار این معنا بازگشت به برجام اکنون شفاف می‌شود. بازگشت به برجام نه بازگشت به تعهدات آمریکا و برداشتن تحریم‌ها علیه تهران بلکه بازگشت به سازوکار ۱+۵ برای اعمال فشار بیشتر بر تهران و افزایش عمق نفوذ استراتژیک تحریم‌های حداکثری ترامپی علیه ایران است که در چارچوب همگرایی آمریکا و اروپای متحد و نزدیک شدن بیشتر به مسکو عمل می‌شود، اگرچه آمریکایی‌ها در زمان اوباما مسکو را هدف قرار دادند ولی از تخم مرغ کریمه و ماجرای اوکراین در سبد آمریکا استفاده می‌کنند و با فشار آوردن به مسکو در ماجرای موجود و افزایش تحریم‌ها و شکاف میان آمریکا و اروپا بهره برده و بدین ترتیب قدرت مانور و امتیازگیری روسیه از برگ تهران علیه آمریکا را نیز کاهش می‌بخشند.

چندی پیش و در پی برخی اقدامات آمریکا مثل پس گرفتن درخواست تحریم‌های سازمان ملل وزیر امور خارجه کشورمان این عمل را نه امتیازی برای ایران بلکه در این راستا دانست که آنها پذیرفته‌اند از این جهت به جایی نمی‌رسند؛ این اقدامات را می‌توان قدم‌هایی در راه احیای برجام در نظر گرفت؟

من هم با آقای ظریف موافقم، چراکه حتی برداشتن تحریم‌های موجود در پرونده هسته‌ای و بازگشت ایران به برجام در منطق بایدنی پذیرش برجام تلقی نمی‌شود، چرا که به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها به دنبال ایجاد فضایی مثبت در جهت بهره‌برداری از این گام‌های ظاهری برای اقناع افکار عمومی در جهت اعمال فشار بیشتر بر ایران هستند. همانگونه که دیدیم آمریکایی‌ها صراحتا اعلام کردند که به هیچ وجه تحریم‌های ایران را بر نخواهند داشت و از طرف دیگر رهبری نظام جمهوری اسلامی هرگونه مذاکره با آمریکا را نه تنها منوط به برداشتن تحریم‌های هسته‌ای بلکه برداشتن کل تحریم‌ها علیه ایران دانسته‌اند. در حالی که آمریکایی‌ها حتی حاضر نیستند به وضعیت سال ۲۰۱۵، امضای برجام و عمل به تعهدات برجامی خود بازگردند.

رفتار دوگانه اروپایی‌ها در قبال برجام که از یکسو بر لزوم پایبندی به آن سخن می‌گویند و از طرف دیگر گامی در جهت عمل به تعهدات خود برنمی‌دارند را چگونه تحلیل می‌کنید؛ رفتار اروپایی‌ها متناقض نیست؟

من معتقدم که این تناقض نیست بلکه هماهنگی با آمریکا در دوره بایدن و پذیرش اهمیت برخورد با ایران توسط آمریکا برای حفظ غشای امنیتی اروپا است. اروپایی‌ها بیش از آمریکایی‌ها از تهدیدهای ایران و برجسته شدن قدرت تهدیدی محورانه ایران نسبت به غرب احساس خطر می‌کنند. برای همین بود که حتی در زمان ترامپ با وجود واگرایی نسبت به کاخ سفید هیچ گونه اقدام عملی در مسیر حمایت موثر از ایران انجام نشد. چرا که اروپایی‌ها بیش از آمریکایی‌ها به دلایل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران را تهدیدی علیه خود می‌دانند. فلذا آنها از عملکرد بایدن در همگرایی بیشتر با اتحادیه اروپا در برابر ایران استقبال و در دوران بایدن از نظر عملیاتی بسیار پیش‌روتر از آمریکا وارد عمل خواهند شد. همانگونه که در دور دوم ریاست جمهوری اوباما این اروپایی‌ها بودند که بیشتر از واشنگتن درخواست اعمال فشار بیشتر و محدودیت علیه ایران را دنبال می‌کردند. این وضعیت در حال بازگشت است و با توجه به عملکردهای ایران و ایجاد یک وحدت عملیاتی در منطقه علیه تهران در زمان ترامپ؛ اگر این میراث‌ها حفظ و توسط تیم بایدن به خوبی رهبری شود می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران بسیار خطرناک و هزینه‌آور باشد.

توافق هسته‌ای در زمان انعقاد مورد توافق همه طرف‌های عضو قرار داشت اما کنون برخی طرف‌ها برداشت‌های دیگری ارائه می‌دهند؛ از دیدگاه شما نگاه آمریکا به برجام با نگاه ایران به این توافق تفاوت ماهیتی دارد؟

از همان اول تفسیر نسبت به برجام در ایران و آمریکا متفاوت بود. آمریکایی‌ها برجام را یک توافقنامه اولیه برای ایجاد تعهد ایران نسبت به قواعد بازی در نظام بین‌الملل می‌دانستند که در مقاله اوباما در ارتباط با ایران در دوره دوم ریاست جمهوری‌اش منعکس شد. او نوشت من به دنبال آن هستم که با ایجاد یک توافق با ایران زمینه‌های مذاکرات گسترده‌تر با ایران را به گونه‌ای فراهم آوریم که برجام گسترش پیدا کرده و در مسیر گسترش خود بتواند ایران را از یک کنش‌گر و کنش‌ورز عصیانگر در نظام بین‌الملل به یک بازیگر عادی در نظم بین‌المللی تبدیل کند. فلذا باید این نکته را نیز مد نظر قرار دهیم و بر این نکته پای فشاریم که برجام یک ورودی و مدخلی برای کشاندن ایران پای میز مذاکره در همه موارد و جلوگیری از برخی از تحرکات ایران علیه نظم و نظام موجود حاکم بر روابط بین‌الملل و رابطه بین دولت‌ها بود. لذا سخن از گفت و گو در همه زمینه‌ها در برجام مطرح شد که مقام معظم رهبری آن را کلا ممنوع نمودند. به واسطه همین امر بود که کری می‌گفت انجام ندادن یک توافق بهتر از انجام دادن یک توافق بد است. ایران دنبال آن بود که توافقی انجام شود که اگرچه برای آمریکا بد و برای ایران دارای امتیاز تنفسی است اما بتواند زمینه‌های ایجاد یک فضای مثبت در جهت برخورد ایران و آمریکا را فراهم آورد. لذا ترامپ در پی انجام آن بود که توافق بد نباید انجام پذیرد و این همان سخن کری است که توافق نکردن را بهتر از توافق بد می‌دانست. منظور کری از توافق بد این بود که ایران باید در همه زمینه‌ها در وضعیت کنونی با نظام بین‌الملل و به ویژه با آمریکا به توافق برسد که بعدها برجام بتواند عملیاتی شود. اکنون باید گفت آنها می‌خواهند برجام را حفظ کنند چون برجام نوعی مدل تبیین کننده حرکت آمریکا در نظام بین‌الملل و میراث مشترک اروپا و آمریکا برای حل بحران‌های بین‌المللی است. فلذا موضوع حفظ برجام یا توافقنامه با ایران نیست بلکه حفظ سازوکار ۱+۵ برای مدیریت آینده جهان است.

این تفاوت نگاه در اروپایی‌ها نیز به همین گونه است؟

بله؛ اروپایی‌ها نیز به برجام به عنوان یک مدل برای همگرایی موزون با آمریکا در مکتب تفسیری امنیت نگاه می‌کنند. حتی چین و روسیه از آن استقبال می‌کنند اگرچه آن را برای خود یک ایده‌آل نمی‌بینند. در این مدل ابرقدرتی به نام آمریکا در مذاکره و در کنار قدرت‌های ۵گانه بزرگ جهان در حل مسائل بزرگ بین‌المللی کمک می‌کند. این مدل تک چند قطبی آمریکایی است. لذا آمریکا به برجام در قالب قبول تعهدات خود نسبت به ایران از طریق برداشتن همه تحریم‌ها نمی‌اندیشد بلکه به بازگشت به برجام به عنوان بازگشت به مدل ۱+۵ برای تبیین نظم آینده جهانی نگاه می‌کند.

با توجه به تناقضات نگرشی موجود در طرفین نسبت به برجام؛ آینده این توافق چگونه رقم خواهد خورد؛ بازگشت به اصل توافق در سال ۲۰۱۵ یا رویکردی جدید؟

سال ۲۰۱۵ تمام شد و اکنون در سال ۲۰۲۱ به سر می‌بریم و برجامی که به انجام می‌رسد دیگر برجام ۲۰۱۵ نخواهد بود و باید برجام ۲۰۲۱ باشد و به التبع اگر دوباره برجامی شکل بگیرد در پس خود مجازاتی را در بر خواهد گرفت که هم موجب تجدید نظر در توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵ شده و هم موضوعات دیگر را در بر خواهد گرفت. لذا نشستن ایران پای میز مذاکره در ۱+۵ آغاز یک آوردگاه جدی است که می‌تواند ایران را وارد پرونده‌های پی در پی و تو در تویی کند که یا ایران باید محدودیت‌های ناشی از آن را پذیرا باشد یا اینکه در میز مذاکره بتواند قدرت خود را بر شش قدرت بزرگ دنیا مسلط کند و صحبت این است که ایران دارای ابزارها و قدرتی هست که بتواند شش قدرت بزرگ جهان را مجبور به پذیرش در خواست‌های خود نماید. لذا نشستن پای میز مذاکره می‌تواند تبعاتی را برای ایران به همراه داشته باشد که برای کشورهای دیگری که مانند ایران مدعی مبارزه با نظم حاکم و تغییر آن بودند به وجود آورد.

با توجه به اینکه مقامات عالی کشورمان بر عدم مذاکره تاکید داشته‌اند چه میزان می‌توان بر این گفته شما در امر واقع صحه گذاشت؟

به هر تقدیر آنچه که مسجل است ایران می‌گوید نه مذاکره نه جنگ ولی آرام آرام آمریکا و متحدانش به سمت و سویی می‌روند که بگویند یا مذاکره یا جنگ. این دو دیدگاه در آینده نزدیک با یکدیگر تلاقی ملموس پیدا خواهند کرد.

مجلس تصویب کرد

«نه» به واردات خودروهای غیر آمریکایی موجود در مناطق آزاد

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست علنی یکشنبه ۱۰ اسفند قوه مقننه و در جریان بررسی بخش درآمدی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰، با اصلاحات اعمال شده درخصوص موارد ارجاعی از صحن مجلس به کمیسیون تلفیق در تبصره ۶ ماده واحده این لایحه با ۲۱۲ رأی موافق، ۱۲ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع از مجموع ۲۴۵ نماینده حاضر در صحن موافقت کردند. بر این اساس نمایندگان با حذف بند الحاقی ۶ تبصره مذکور موافقت کردند که بند الحاقی حذف شده بدین شرح بود؛ دولت مکلف است به منظور تنظیم بازار خودروهای وارداتی، ضمن شناسایی خودروهای خارجی غیرآمریکایی موجود در مناطق آزاد با اخذ حقوق گمرکی و سود بازرگانی متناسب با قیمت خودرو در داخل کشور و با لحاظ معیارهای زیر، ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ این قانون توسط کمیته موضوع ماده (۱) قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۴ مهر ۱۳۷۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، تعیین و توسط دولت ابلاغ می‌شود، نسبت به ثبت سفارش و اجازه واردات خودروهای غیرآمریکایی موجود در مناطق آزاد تجاری و صنعتی اقدام کند. نرخ سود بازرگانی متناسب با نوع خودرو و سال ساخت و سایر مشخصات خودرو باید طوری تنظیم شود که در مقایسه قیمت‌های بازار، منجر به سود بیش از ۲۰ درصد برای واردکنندگان نشده و در صورت مشاهده روند فزاینده تفاوت میان قیمت‌های بازار و وارداتی، دولت می‌تواند متناسب با افزایش قیمت نسبت به تجدیدنظر در نرخ سود بازرگانی اقدام کند. در ادامه همچنین با نظر نمایندگان مجلس عبارت «موزه‌های دفاع مقدس» به بند الحاقی ۱۳ اضافه شد که متن اصلاح شده این بند الحاقی بدین شرح است؛ رده های بسیج (پایگاه‌ها و حوزه‌ها) و موزه‌های دفاع مقدس از پرداخت حق انشعاب آب و فاضلاب، برق، گاز و عوارض شهرداری معاف هستند.

روی خط

رئیس مجلس: دولت باید برای افزایش حقوق بازنشستگان از مجلس مجوز می‌گرفت

بحث داغ بودجه میان پاستور و بهارستان

نوبخت: سه ماه است که لایحه به مجلس داده‌ایم تا به ما مجوز دهند

رئیس مجلس در پاسخ به صحبت‌های رئیس سازمان برنامه و بودجه تاکید کرد که مجلس همواره به دنبال حل مشکلات مردم به خصوص صندوق‌های بازنشستگی و تامین اجتماعی بوده است. در جلسه علنی صبح دیروز (یکشنبه) و در جریان بررسی بند «و» تبصره ۲ لایحه بودجه ۱۴۰۰ در بخش درآمدی پیشنهادی مطرح شد مبنی بر اینکه سقف یک میلیون و ۵۰۰ هزار میلیارد ریال از محل ارائه حق‌الامتیاز، واگذاری سهام و حقوق مالکانه، واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌گذاری متعلق به دولت و شرکت‌های دولتی و همچنین واگذاری اموال و دارایی‌های غیرمنقول مازاد به یک میلیون و ۲۵۰ هزار میلیارد تومان کاهش یابد. در جریان این طرح محمد باقر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه با این پیشنهاد مخالفت کرد و آن را تلاش برای کم کردن سقف حقوق بازنشستگان دانست. در واکنش به این صحبت‌ها محمد باقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: هیچ‌گاه مجلس به دنبال این نبوده که مشکل مردم را حل نکند همواره دغدغه رفع مشکلات صندوق‌های بازنشستگی، رزمندگان و ایثارگران را داشته است حتی اگر دولت به دنبال مجوز در این راستا با نگاه مثبت آن را دنبال کرده است. وی ادامه داد: قصد ما این نیست که سقف حقوق بازنشستگان را کم کنیم هرچند دولت در صندوق‌های بازنشستگی و صندوق تامین اجتماعی که متعلق به کارگران بوده افزایش سالانه ۱۳ درصد را نگه داشته و مابقی دستگاه‌ها حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش داشته است ما می‌خواهیم این بی‌عدالتی را اصلاح کنیم تا بخشی از تامین اجتماعی برای کارگران حل شود. قرض این است که ما محل تامین این موضوع را از جایی نیاوریم که مجددا افزایش نقدینگی و تورم داشته باشیم یعنی از یک طرف به مردم کمک کرده و از طرف دیگر دست در جیب مردم کنیم.

۳۰۰ هزار میلیارد بدهی دولت به تامین اجتماعی

بعد از این صحبت‌ها زارع سخنگوی کمیسیون تلفیق گفت: بدهی دولت به تامین اجتماعی نزدیک به ۳۰۰ هزار میلیارد تومان است که این بخشی از ۱۵۰ هزار میلیارد تومانی است که باید به تامین اجتماعی داده شود تا مواردی که تعهد داده مثل رتبه‌بندی معلمان و متناسب سازی حقوق بازنشستگان لشگری و کشوری و متناسب سازی حقوق اعضای هیات علمی انجام شود. این پیشنهاد در نهایت رای نیاورد و مجددا پیشنهاد دیگری برای تغییر این سقف تعیین شد. نوبخت معاون رئیس جمهور مجددا پشت تریبون رفت و اظهار کرد: دولت و مجلس شورای اسلامی همراه هم برای کمک به اقشار مختلف به ویژه بازنشستگان تامین اجتماعی هستند که به آن اذعان می‌کنم و قدردان هستیم، اما از ۵۰ هزار میلیارد تومانی که در بند «و» تبصره ۲ قانون بودجه امسال وجود داشت ۳۲ هزار میلیارد تومان برای تامین اجتماعی و ۱۸ هزار میلیارد تومان برای لشگری و کشوری اختصاص یافت. برای لشگری و کشوری همین ۱۸ هزار میلیارد تومان بین همه تقسیم شد اما برای تامین اجتماعی فقط ۳۰ درصد انجام شد. جهت رفع مشکل سه ماه است که لایحه دوفوریتی به مجلس شورای اسلامی داده‌ایم تا به ما مجوز دهند این ۳۰ درصد را به حداقل ۳۰ درصد تبدیل کنیم تا سازمان تامین اجتماعی و بازنشستگان تامین اجتماعی هم بهره کامل را ببرند. وی ادامه داد: ان‌شاءا... ریاست مجلس شورای اسلامی بعد از بودجه اجازه دهد که این موضوع اعلام وصول شود تا حتی اگر یک روز باقی بماند بتوانیم این اتفاقی که برای لشگری و کشوری افتاد را برای تامین اجتماعی پیاده کرده و بتوانیم ۱۰۰ درصد را توزیع کنیم. در پاسخ به این صحبت مجددا قالیباف رئیس مجلس اظهار کرد: آقای نوبخت می‌داند که چرا دولت لایحه دو فوریتی برای لشگری و کشوری داده است دلیل آن است که دولت ۱۲ هزار میلیارد تومانی که به کشوری داده، خلاف قانون بوده است، یعنی دولت بعد از انجام، تازه لایحه داده که ما اصلاح کنیم. وی تاکید کرد که دولت باید برای افزایش حقوق بازنشستگان کشوری از مجلس شورای اسلامی مجوز می‌گرفت که این کار را نکرد و حالا می‌خواهد اصلاح کند. همچنین علیرضا سلیمی عضو هیات رئیسه مجلس در تذکری گفت: در بند (و) لایحه ای که از جانب دولت به مجلس ارائه شده رقم ۹۰ هزار میلیارد تومان گنجانده شده بود و این رقم را مجلس تا ۱۵۰ هزار میلیارد افزایش داد. وی افزود: در حال حاضر بدهی تامین اجتماعی از دولت ۳۲۰ هزار میلیارد تومان است، در حالی که آقای نوبخت در اظهارات خود می‌گوید که قصد پایین آوردن این رقم را نداشته است. چرا دولت همسان سازی حقوق بازنشستگان و رتبه بندی معلمان در قانون برنامه ششم را در لایحه نیاورده و یا لایحه رتبه بندی معلمان اجرا نشده است؟ اینجا جای طرح شعارهای سیاسی نیست و بحث ما درخصوص بودجه کاملا کارشناسی و فنی است.